

اخبار

رستاخیز رسانه‌های ایرانی در میدان کرونا

فعالیت رسانه‌ای ایران درباره کرونا این موضوع را بار دیگر مطرح ساخته است که این بحران قبل از هر چیز توان تأثیرگذاری رسانه‌ها را به خود مبتذل و نابود کرده است

حضور رسمی و اعلام شده ویروس کرونا در ایران وارد سومین هفته خود شده است و می‌توان حالا کارنامه‌ای از فعالیت رسانه‌ای ایران در معرفی، آموزش و در یک نگاه فضاسازی رسانه‌ای برای مواجهه با این ویروس را مورد ارزیابی قرار داد. پیش از این و در سه یادداشت درباره برخی از اتفاقات و الزامات در فضای مجازی درباره خبررسانی در زمان وقوع بحران و نیز فعالیت فیک‌نیوزها در زمانه رخداد کرونا شاره‌هایی داشتیم و حتی گزارشی از یک پژوهش اینترنتی درباره فعالیت گروه‌های خاص در فضای مجازی که سعی دارند از این بحران برای مقاصد سیاسی خود کسب اعتبار کنند از دیدگاه شما گذشت.

کرونا این روزها اما نه خبر اول ایران که خبر اول دنیاست. هر روز درباره عواقب و پیامدهای ابتلای تعدادی از مردم جهان به این بیماری رموز اطلاعات مختلفی مخابره می‌شود اما شاید مهمترین اتفاق در این زمینه نوع مواجهه شبکه‌های بزرگ رسانه‌ای در جهان با این پدیده است. رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها و حتی روزنامه‌هایی که دارای نسخه‌های مجازی آن لاین در دنیا هستند این روزها دارای صفحات ویژه و اختصاصی درباره کرونا در مخاطبان خود هستند. صفحاتی پویا و دائم به روز شده که تازه‌ترین اطلاعات درباره این موضوع را به اطلاع مخاطبان آنها می‌رساند. این الگو در بهار سال جاری و به دنبال وقوع سیل در برخی استان‌های کشور و نیز در ایام راهپیمایی اربعین حسینی در رسانه‌های ایران نیز شکل گرفت اما بحران کرونا و شاید ابعاد آن در بسیاری از رسانه‌های مجازی و کاغذی به اندازه‌ای تأثیرگذار بوده است که این مهم را فراموش کرده است.

نبود خبررسانی متمرکز، مستند و کاربردی در رسانه‌ها درباره این موضوع مخاطبان این رسانه‌ها را پس از دریافت اخبار رسمی به سمت مقایسه و راستی آزمایی آنها در میان فیک‌نیوزهای پربنگ و لعاب کشنده است و ناگفته پیداست که پیروز این میدان که خواهد بود.

مساله دیگری که دو هفته فعالیت رسانه‌ای در ایران درباره کرونا آن را به اثبات رسانده است نحیف بودن ضربت تأثیرگذاری رسانه‌ها در مخاطبانشان درباره این بیماری است. ماجرای سفرهای پرتعداد آخر هفته گذشته علی‌رغم طالع‌رسانی‌های متعدد درباره آن و نیز میزان به‌رحه حضور مردم در محیط‌های عمومی در این رابطه نشان می‌دهد که رسانه‌های ایرانی نه تنها توانی برای فرهنگ‌سازی و تأثیرگذاری برای اجرای رفتاری اجتماعی در مخاطبان خود ندارند که از ایجاد یک موج خبری و محتوایی درباره انجام یک رفتار یا عدم انجام آن نیز عاجزند و شاید بهتر است در این زمینه بگوییم فاقد استراتژی، برنامه، ستاد خبری متمرکز و ناتوان در تولید قالب و محتوای جذاب برای جهت‌دهی به مخاطبان خود هستند.

موضوع دیگری که بررسی کارنامه خبری رسانه‌های ایرانی در ای ن مدت نشان می‌دهد انتشار گزارش‌های افشاگرانه حاوی موضوعات تأثیرگذار به منظور ایجاد تأثیر در مسئولان است. این موضوع که برخی از محققان علوم ارتباطات از آن با عنوان «CNN EFFECT» می‌دانند می‌کنند با الگویی از برخی رویدادهای سیاست نشان می‌دهد که در زمانه دودلی سیاستگذاران برای تصمیم‌گیری رسانه‌های می‌توانند در خط و جهت‌گیری آنها نقش‌آفرین باشند. این پدیده از این منظر در موضوع کرونا قابل توجه است که رسانه‌های ایرانی در کوچک‌ترین موضوع مرتبط با این بحران نتوانستند قدرت اقناعی در برابر سیاستگذاران داشته باشند و حتی موضوعاتی مانند کمبود برخی اقلام دارویی و بهداشتی در مراکز استان‌ها نیز تحت تأثیر مطالب آنها ناکتون رفع و رجوع نشده است.

حالا باید سوال کرد که چرا رسانه ایرانی در چنین بزنگاهایی نه راوی مردم و نه در خط مقدم پرسشگری از مسئولان درباره نیازهای مردم است و صرفاً به انتشار برخی اخبار رسمی و انگیزشی بسنده کرده است؟ آیا بحران کرونا را باید بزنگاهی تازه درباره فهم تأثیرگذاری رسانه‌های ایرانی در مخاطبان خود دانست؟ و یا اینکه این بحران قبل از هر چیز توان تأثیرگذاری رسانه‌ها را به خود مبتذل و نابود کرده است؟ سوالی است که در روزهای آتی برای آن می‌توان پاسخ‌های جذاب‌تری نیز یافت.

توسط انتشارات فاطمی؛

کتاب «دور شو ای ویروس بدجنس!» برای بچه‌ها منتشر شد

ترجمه کتاب چینی «دور شو ای ویروس بدجنس!» درباره ویروس کرونا توسط انتشارات فاطمی برای کودکان منتشر شد.

کتاب «دور شو ای ویروس بدجنس!» نوشته گروهی از نویسندگان چینی به‌تازگی با ترجمه فرود فرجود توسط انتشارات فاطمی و انتشار بازار نشر شده است.

این کتاب درباره ویروس جدید کووید-۱۹ یا همان کرونا است که تاکنون بیش هم توسط نای هویی کشیده شده‌اند. به‌گفته نویسندگان کتاب، همه‌چیزهایی که بچه‌ها لازم است درباره کرونا بدانند، در این‌اثر گردآوری شده است. ناشر چنین این کتاب که همکار بخش کتاب‌های طوطی (بخش کودکان انتشارات فاطمی) و IBBY است، اجازه ترجمه و انتشار نسخه فارسی آن را در ایران به ناشر مذکور داده است.

کتاب مذکور برای دسترسی سریع مخاطبان به‌صورت یک‌اثر الکترونیکی منتشر شده که فایل آن (اینجا) قابل مطالعه است.

گسترش کرونا یک اپیدمی گسترده از ویروس‌های ایدئولوژیکی را نیز به جریان انداخته که در صورتی مانفته بودند: اخبار کذب، تئوری‌های توطئه پارانویایی و انفجارهای ژئادپرستی.

متنی که در ادامه می‌خوانید ترجمه وحید میهن‌پرست است از مقاله‌ای به قلم اسلایو ژویک، فیلسوف شهیر اسلونیایی. این مقاله در نشریه دی ولت به تاریخ ۲۰۲۰/۰۲/۱۲ منتشر شده است که می‌توانید اصل آن را از اینجا ببینید. نقد ژوژک از کنش ایرج حریرچی، معاون وزیر بهداشت ایران و همچنین ارجاع به یکی از سخنان او در این مقاله بسیار جالب است. ترجمه مقاله ژوژک را در ادامه بخوانید:

«گسترش کنونی ویروس کرونا یک اپیدمی گسترده از ویروس‌های ایدئولوژیکی را نیز به جریان انداخته که در جوامع ما نهفته بوده‌اند: اخبار کذب، تئوری‌های توطئه پارانویایی، انفجارهای ژئادپرستی و... نیاز بهداشتی معقول به قرنطینه‌ها در فشار ایدئولوژیکی برای برقراری مرزهای واضح و قرنطینه کردن دشمنانی که تهدیدی برای هویتمان ایجاد می‌کنند موافقت می‌یابد. اما شاید ویروس ایدئولوژیکی دشمنی و بسیار سودمندتری شایع شود و امیدوار باشیم که ما را دچار خود کند، ویروس اندیشیدن یک جامعه جایگزین، جامعه‌ای ورای دولت- ملت، جامعه‌ای که خود را در اشکال همکاری و همبستگی جهانی متحقق می‌سازد.

امروزه اغلب گمانه‌پردازی‌هایی شنیده می‌شود مبنی بر اینکه ویروس کرونا ممکن است به سقوط حاکمیت کمونیستی در چین ختم شود یعنی به همان طریقی که (همانطور که خود گورباچوف پذیرفته است) فاجعه چرنوبیل واقعه‌ای بود که پایان کمونیسم شوروی را به جریان انداخت. اما در اینجا یک تناقض وجود دارد: ویروس کرونا همچنین ما را وادار می‌کند که کمونیسمی را مجدداً ابداع کنیم که بر پایه اعتماد به مردم و به علم است. در صحنه نهایی فیلم «بیل را بکش ۲» اثر تارانتینو، باتریکس بیل شرور را از پا درمی‌آورد و با «کنیک پنجه پنج نقطه‌کوب منفرج کننده قلب» یعنی مرگبارترین ضربه در کل هنرهای رزمی به او ضربه می‌زند. این حرکت از ترکیب پنج ضربه با نوک انگشتان به پنج نقطه فشار متفاوت بر روی بدن هدف ضربه تشکیل شده است — بعد از اینکه هدف ضربه راه می‌رود و پنج گام برمی‌دارد قبلش در بدنش منفرج می‌شود و نقش بر زمین می‌شود. (چنین حمله‌ای بخشی از اسطوره شناسی هنرهای رزمی است اما در نبردهای تن به تن واقعی امکان‌پذیر نیست.)

گسترش کنونی ویروس کرونا یک اپیدمی گسترده از ویروس‌های ایدئولوژیکی را نیز به جریان انداخته که در جوامع ما نهفته بوده‌اند: اخبار کذب، تئوری‌های توطئه پارانویایی، انفجارهای ژئادپرستیخ برگردیم به فیلم، بعد از اینکه باتریکس آن ضربه را می‌زند بیل با آرامش با او صلح می‌کند، پنج گام برمی‌دارد و می‌میرد... آنچه که این حمله را تا این حد جذاب می‌سازد زمان بین ضربه خوردن و لحظه مرگ است: من می‌توانم مادامی که با آرامش نشستام یک گفت‌وگوی خوب داشته باشم اما من در کل این زمان آگاه هستم که لحظه‌ای که شروع به قدم زدن کنم قلب منفرج خواهد شد و من بی‌جان نقش بر زمین می‌شوم. بر این اساس آیا ایده آنهایی که درباره این گمانه‌پردازی می‌کنند که چگونه ویروس کرونا به سقوط حاکمیت کمونیستی در چین می‌شود این نیست که اپیدمی ویروس کرونا همچون نوعی حمله «کنیک پنجه پنج نقطه‌کوب منفرج کننده قلب» اجتماعی به رژیم کمونیستی چنین عمل می‌کند: آنها می‌توانند بنشینند، بررسی کنند و اقدامات معمول قرنطیه و غیره را طبق برنامه انجام دهند، اما هر تغییر واقعی‌ای در نظم اجتماعی

(مانند اعتمادکردن واقعی به مردم) سقوطشان را به بار خواهد آورد... معتدل‌ترین عقیده من در این زمینه بسیار رادیکال‌تر از این ایده است: اپیدمی ویروس کرونا نوعی حمله با «کنیک پنجه پنج نقطه‌کوب منفرج کننده قلب» بر نظام سرمایه‌داری ویروس ایدئولوژیکی مبنی بر اینکه ما نمی‌توانیم مسیری که تا به حال آن را انجام می‌دادیم را ادامه دهیم، اینکه یک تغییر رادیکال ضروری است. سال‌ها پیش فردریک جیمسون توجعات را به پتانسیل یوتوپایی در فیلم‌های دارای مضمون فاجعه‌کیهانی جلب کرد (یک شهاب سنگ زندگی بر روی زمین را تهدید می‌کند، یک ویروس بشریت را می‌کشد...): چنین تهدید جهانی‌ای باعث ایجاد همبستگی جهانی می‌شود، تفاوت‌های کوچک ما بی‌اهمیت می‌شوند، ما همه با هم کار می‌کنیم تا یک راه‌حل بیابیم- و ما امروز در زندگی واقعی در اینجا هستیم. نکته اساسی ما در اینجا لذت بردن سادسیستیک از رنجبری شیوع یافته تا بدانجا که به آرمانان کمک می‌کند، نیست- برعکس این نکته عبارت است از تأمل بر واقعیتی حزن‌انگیز مبنی براینکه ما نیاز به یک‌فاجعه داریم تا ما را قادر سازد که خود مشخصات بنیانی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم را بازاندیشی کنیم.

نخستین مدل مهم که چنین همکاری جهانی‌ای سازمان بهداشت جهانی است که ما از آن درحال گرفتن هندشاه‌های پیچیده بروکراتیک معمول اما دقیق هستیم که بدون واهمه اعلام می‌شوند. به چنین سازمان‌هایی باید قدرت اجرایی بیشتری داده شود.

به خودمان یادآوری کنیم که در دهه‌های اخیر اصطلاحات «ویروس» و «ویروسی» عمدتاً برای ترسیم ویروس‌های دیجیتالی به کار رفته‌اند که فضای شبکه‌مان را آلوده کرده‌اند و ما از آنها باخبر نبودیم.بررسی سندرز به خاطر طرفداری‌اش از یک بیمه سلامت همگانی در آمریکا مورد تمسخر شکاکان نسبت به ایده‌هایش واقع شد- آیا درس اپیدمی ویروس کرونا این نیست که حتی بیشتر از این لازم است یعنی اینکه ما باید زمینه را برای نوعی بیمه سلامت جهانی مهیا کنیم. یک روز بعد از اینکه ایرج حریرچی معاون وزیر بهداشت ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی حاضر شد تا گسترش ویروس کرونا را کم اهمیت جلوه دهد و تأکید کند که قرنطینه‌های توده‌ای لازم نیستند، او یک بیانیه کوتاه بیرون داد که در آن می‌پذرد که به ویروس کرونا مبتلا شده است و خودش را از دیگران جدا کرده است (پیش از آن در خلال نخستین حضور تلویزیونی‌اش او ناگهان نشانه‌های تب و ضعف را بروز داده بود). در بیانیه مذکور حریرچی افزود: «این ویروس دموکراتیک است و بین فقیر و غنی یا بین دولت مرد و یک شهروند عادی تمایز قائل نمی‌شود.»

در این زمینه او عمیقاً محق است- ما همگی

روزنامه‌صبح ایران

استیجاریا

کرونا: پایان جهان آنگونه که ما می‌شناسیم

تحلیل ژئژک از سخن حریرچی



در کشتی واحدی هستیم. این مشکل است که ریشخند اغلای این واقعیت را از قلم بیاندازیم که آنچه که همه ما را در کنار هم قرار داده است و ما را به طرف همبستگی جهانی سوق می‌دهد خودش را بر سطح زندگی روزمره در قالب فرمان‌های سفت و سخت برای اجتناب از تماس‌های نزدیک با دیگران و حتی به انزوا بردن خود نمود می‌یابد. علاوه بر این ما تنها با تهدیدهای ویروسی مواجه نیستیم دیگر فجایع درانتظارمان نشسته‌اند یا از قبل در حال رخ دادن هستند: خشکسالی‌ها، امواج گرمایی، طوفان‌های عظیم و غیره. در کل این موارد پاسخ به آنها دهشت نیست بلکه کار سخت و فوری برای برقراری نوعی همکاری جهانی موثر است. نخستین تصور خلاف واقع که باید از آن خلاص شویم تصویری است که توسط ترامپ در خلال بازدیدش از هند صورت بندی شد: این اپیدمی به سرعت فروکش خواهد کرد ما تنها باید منتظر اوج پیش از افت آن باشیم و پس از آن است که زندگی به روند نرمال بازمی‌گردد...

چین از قبل برای این لحظه آماده شده است: رسانه‌های آنها اعلام کرده‌اند که وقتی این اپیدمی به پایان برسد مردم شنبه‌ها و یکشنبه‌ها برای جبران مافات کار خواهند کرد... برخلاف این امیدهای بیش از حد ساده نخستین چیزی که باید پذیرفت این است که تهدید اینجاست تا بماند: حتی اگر این موج فروکش کند آن تهدید در اشکال جدید و شاید حتی خطرناک‌تر مجدداً ظهور می‌یابد. به همین خاطر ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم که اپیدمی‌های ویروسی ابتدایی‌ترین تعاملاتمان با دیگر افراد و اشیاء اطرافمان که بدن‌های خودمان هم جزئی از آنها هستند را تحت تأثیر قرار خواهد داد: از لمس کردن چیزها که ممکن است (به نحوی نامشهود) «کنیف» باشند اجتناب کنید، به گیره‌ها دست نزنید، روی توالت‌های عمومی یا روی نیمکت‌ها در مکان‌های عمومی نشینید، یا بغل کردن دیگران و دست دادن با آنها اجتناب کنید...

و حتی درباره این مواظب باشید که چگونه بدنتان را حفظ می‌کنید تا دیگر عوامل و سازمان‌ها نیستند که در فضای باز حرکت کردن به جزیره‌هایی که در تملک افراد خربول هستند اختصاص یابد. یک روز بعد از اینکه ایرج حریرچی معاون وزیر بهداشت ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی حاضر شد تا گسترش ویروس کرونا را کم اهمیت جلوه دهد و تأکید کند که قرنطینه‌های توده‌ای لازم نیستند، او یک بیانیه کوتاه بیرون داد که در آن می‌پذرد که به ویروس کرونا مبتلا شده است و خودش را از دیگران جدا کرده است (پیش از آن در خلال نخستین حضور تلویزیونی‌اش او ناگهان نشانه‌های تب و ضعف را بروز داده بود). در بیانیه مذکور حریرچی افزود: «این ویروس دموکراتیک است و بین فقیر و غنی یا بین دولت مرد و یک شهروند عادی تمایز قائل نمی‌شود.»

در این زمینه او عمیقاً محق است- ما همگی

باید به خودمان یادآوری کنیم که در دهه‌های اخیر اصطلاحات «ویروس» و «ویروسی» عمدتاً برای ترسیم ویروس‌های دیجیتالی به کار رفته‌اند که فضای شبکه‌مان را آلوده کرده‌اند و ما از آنها باخبر نبودیم.بررسی سندرز به معنای تحت‌اللفظی نبودن در اطلاعات دیجیتالی یا هارد- درایوهای (ما) نمودار می‌شود. آنچه که ما اکنون با وجود کرونا می‌بینیم بازگشت عظیمی به معنای تحت‌اللفظی آغازین این اصطلاح است: آلودگی‌های ویروسی دست در دست یکدیگر در دو بعد عمل می‌کنند یعنی بعد واقعی و بعد مجازی.

پدیده غریب دیگری که ما می‌توانیم مشاهده کنیم بازگشت پیروزمندانه آنتیسم (جانمندانگاری) سرمایه‌دارانه است، ما شاهد تلقی پدیدارهای اجتماعی همانند بازارها و سرمایه اقتصادی به عنوان موجوداتی جاندارهستیم. اگر رسانه‌های بزرگمان مورد خوناش قرار گیرند این برداشت به دست می‌آیدکه آنچه ما باید واقعا درباره‌شان نگران باشیم هزاران نفری نیستند که قتل مرده‌اند (و هزاران نفر بیشتری که خواهند مرد) بلکه این واقعیت است که «بازارها دارند عصبی می‌شوند»- ویروس کرونا بیش از پیش درحال برآشتن عملکرد ملایم و یکتوخت بازار جهانی است و همانطور که می‌شویم رشد ممکن است تا دو یا سه درصد سقوط کند ... آیا همه این قضایا به روشنی نشان دهنده نیاز فوری برای سازمان‌دهی مجدد اقتصاد جهانی نیست که دیگر کاملاً در دست مکانیزم‌های بازار نخواهد بود؟

بدیهی است که ما در اینجا درباره کمونیسم سبک قدیمی صحبت نمی‌کنیم بلکه درباره نوعی سازمان جهانی صحبت می‌کنیم که می‌تواند اقتصاد را کنترل و تنظیم کند و همچنین حاکمیت دولت — ملت‌ها را هنگامی که لازم است محدود کند. در گذشته کشورها قادر بودند این کار را در شرایط جنگ انجام دهند و حال همه ما عملاً درحال نزدیک شدن به وضعیت جنگ بهداشتی هستیم. علاوه بر این ما نباید از اشاره به یکی از عوارض جانبی به طور بالقوه سودمند این اپیدمی نیز هراس داشته باشیم. یکی از نمادهای اپیدمی مسافرائی هستند که بر روی کشتی‌های قاره پیمای بزرگ گیر کرده‌اند (قرنطینه شده‌اند) - من وسوسه می‌شوم که بگویم که این یک خلاصی خوب از وراحت چنین کشتی‌هایی است. (ما تنها باید مواظب باشیم که سفر به جزایر تک‌افتاده و دیگر باتوق‌های اختصاصی دوباره به حق انحصاری چند پولدار بدل نشود، یعنی همانطور که دهه‌ها پیش درمورد پرواز کردن شاهد آن بودیم). تولید خودرو به طور جدی تحت تأثیر این اپیدمی قرار گرفته است- خوب است چنین چیزی ممکن است ما را وادار کند تا درباره جایگزین‌هایی برای وسواس‌مان نسبت به وسایل نقلیه شخصی بیاندیشیم ... این لیست می‌تواند به اراده خودتان طولانی‌تر شود. نخست وزیر مجارستان ویکتور اوربان اخیراً در یک سخنرانی گفته است: «چیزی به عنوان یک لیبرال وجود ندارد. یک لیبرال چیزی بیش از یک کمونیست با یک دیپلم نیست».

اگر عکس این گفته درست باشد چه؟ یعنی اگر ما آنهایی را که به آزادی‌هایمان توجه می‌کنند با عنوان «لیبرال» مشخص کنیم و آنهایی را با عنوان «کمونیست» ترسیم کنیم که آگاه هستند که ما می‌توانیم این آزادی‌ها را تنها با تغییرات رادیکال تعداد دهیم چون سرمایه‌داری جهانی درحال نزدیک شدن به یک بحران است. بنابراین ما باید بگوییم که امروزه آنهایی که هنوز خودشان را به عنوان کمونیست‌ها بازنشانی می‌کنند لیبرال‌هایی با یک دیپلم هستند، لیبرال‌هایی که به طور جدی مطالعه کرده‌اند که چرا ارزش‌های لیبرالمان در معرض تهدید هستند و آگاه شده‌اند که تنها یک تغییر رادیکال می‌تواند آنها را نجات دهد».

مطالبات دستی و گرداب سکوت وزارت میراث فرهنگی



و ساختاری این وزارت‌خانه است.

بر خلاف این مواردی که ذکر شد، در مقابل معاونت صنایع دستی کشور هر زمان امکان رسانه‌ای بدست آورده است در خصوص اعلام آمار و ارقام خود، تمام تلاش را صرف برجسته سازی آن کرده و با برگزاری نشست خبری و رویدادهای گوناگون سعی در برجسته سازی موضوع دلخواه خود نزد افکار عمومی داشته است. نکته بارزی که مصداق آن را به خوبی در بهمن ۱۳۹۸ و برگزاری حدود ۶ رویداد و نشست خبری از سوی معاونت صنایع دستی بیان کرد که بر اساس آن موضوعات و مسائل مختلفی را از جمله آمار ثبت جهانی شهرهای صنایع دستی، رشد بازار و دیگر اقدامات خویش را با برگزاری نشست خبری فراگیر برجسته ساختند.

نکته قابل تأمل در این رویدادها اینکه در آنها هیچ اشاره جدی به بحث حذف معافیت مالیاتی هنرمندان صنایع دستی به عنوان یک مطالبه هنرمندان نشده است. تنها پویا محمودیان معاون صنایع دستی کشور در جریان نشست خبری ثبت جهانی شهرهای صنایع دستی در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۹۸ در پاسخ به سوال خبرنگاری که در خصوص حذف ماهه ۱۴۲ بدون توضیح خاصی گفت که این مسئله فعلاً در حد یک پیش نویس است.

به نظر می‌رسد شرایط و شواهد موجود بیانگر آن است که عملکرد وزارت میراث فرهنگی در مسیری است تا بحث حذف معافیت مالیاتی هنرمندان صنایع دستی را به سمت گرداب سکوت سوق دهد و این موضوع را مسکوت نگه دارد. گویا این وزارت‌خانه چندان با حذف معافیت مالیاتی هنرمندان صنایع دستی مخالف نیست. اما در طرف مقابل هر زمان پای آمار و ارقام و به عبارتی موفقیت‌های مطلوب معاونت صنایع دستی در میان باشد، با برپایی نشست‌های خبری از حداکثر ظرفیت رسانه‌ای وزارت‌خانه و رسانه‌های جمعی برای بهتر معرفی کردن آن دستورداده بهره برده است.

اخبار

مرکز گفت‌وگوی فرهنگ‌ها خواستار توقف خشونت‌ها علیه مسلمانان هند شد

محمد مهدی تسخیری رئیس مرکز گفت‌گوی ادیان و فرهنگ‌ها در پیمای به پروفیسور رامش چندرا سینیها رئیس شورای تحقیقات فلسفی هند، خواستار متوقف شدن خشونت‌ها علیه مسلمانان هند شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی تسخیری رئیس مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درپیمای خواستار متوقف شدن خشونت و سلب رفتار خشن نسبت به مسلمانان جامعه هند شد.

در پیام حجت الاسلام محمد مهدی تسخیری به پروفیسور رامش چندرا سینیها رئیس شورای تحقیقات فلسفی هند آمده است: هند را به عنوان کشوری که با تساهل مذهبی که هفتاد و دو ملت همیشه در کنار هم با آرامش و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند، می‌شناسیم. ابجداری که می‌شویم بسیار نگران‌کننده است و ما امیدواریم هر چه زودتر به خشونت‌ها علیه مسلمانان در هندوستان خاتمه داده شود.

خشونت سازماندهی‌شده علیه مسلمانان مظلوم هندی و تصاویر انتشار یافته از این صحنه‌های دلخراش، دل هر انسان آزاده‌ای را می‌آزارد.

دراین پیام تاکیدشده است؛ کشور بزرگ و پهناور هند به داشتن درمانی با رویحه مدارا و تسامح، مهد فرهنگ‌ها و آیین‌های مختلف شهرت دارد. ادیان و آیین‌های متنوعی در هند ظهور و بروز کرده و میراث علمی و هنری فراوانی را نیز از خود به یادگار گذاشته‌اند. مسلمانان هند که درصد معتنابهی از جمعیت ملت بزرگ هند را تشکیل می‌دهند از این جمله‌اند که سهم بزرگی در پویایی و سرآمدی تمدن هندوستان در طول تاریخ به عهده داشته و دارند.

از سوی دیگر مقابله با افراط گرایی دینی، تروریسم و در نهایت ایجاد کشوری با وثایب و همکاری، مشارکت و همدلی تمام آحاد ملت هندوستان اعم از اقوام و پیروان ادیان مختلف همواره از شعارهای درست و امید بخش دولت حاکم بوده است.

در ادامه این پیام آمده است: جنابعالی به خوبی آگاهید که هند از زمان استقلال به صورت جدی با چالش‌های تفرقه افکنانه بر علیه این ملت عظیم روبه‌رو بوده و اتفاقات اخیر نیز که دل تمامی انسان‌های آزاده در سراسر جهان را رنجور ساخته، ادامه همان توطئه‌های تاریخی بر علیه وحدت و یکپارچگی ملت فهیم هندوستان است.

همچنین در پایان این پیام آمده است؛ اینجانب تاکید می‌کنم؛ شایسته است شورای تحقیقات فلسفی هند نیز با محکمیتی برای خشونت‌های روا داشته شده علیه هندیان مسلمان سهم خویش را در پایان بخشیدن به این خشونت‌ها ایفا کند.

احد رضایی مطرح کرد:

عواقب خطرناک توقیع زمان بر گزاری نمایشگاه کتاب

مدیر انتشارات ویژه نشر و از مسئولان سابق نمایشگاه کتب تهران می‌گوید توقیع دوباره نمایشگاه کتاب خسارت‌های بسیاری برای صنف نشر به همراه خواهد داشت.

همزمان با شیوع بیماری کرونا در کشور، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در خبری از توقیع زمان برگزاری نمایشگاه کتاب تهران که پیش از این قرار بود فروردین ماه برگزار شود، خبر دهد و به دنبال آن گمانه‌زنی‌هایی درباره زمان جدید برگزاری این رویداد ارائه شد. قادر آشنا قائم مقام نمایشگاه کتاب تهران نیز در گفتگو با مهر درباره این گمانه‌زنی‌ها به اظهارنظر پرداخت و (اینجا بخوانید) که به دنبال این اتفاق سیدعباس حسینی نیک مدیر گروه انتشاراتی مجد و مدیر انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی نیز با انتشار یادداشتی در مهر (اینجا بخوانید) پرداخت و پیشنهادهای موجود در این زمینه را از نگاه خود بررسی کرد.

طی‌روزهای اخیر اما این گمانه‌زنی‌ها و احتمال تقویت برگزاری این رویداد در فصلی جز بهار نیز در میان صنف نشر بازتاب‌های بسیاری داشته است و در این زمینه اظهار نظرهای مختلفی شکل گرفته است.

احد رضایی مدیر مؤسسه انتشارات ویژه نشر و از مسئولان سابق نمایشگاه کتاب تهران نیز در این زمینه به اظهار نظر پرداخته و درباره توقیع زمان برگزاری نمایشگاه و فصل آن نکاتی را بیان کرده است.

رضایی در این زمینه عنوان کرد: میدانید که شرکت کنندگان داخلی و خارجی بر اساس زمان قبلی که آنگاه فروردین بود اقدام به چاپ و یا سفارش کتاب جهت عرضه در این رویداد نمودند، به امید اینکه بتوانند در پایان نمایشگاه و یا حد اکثر در اخر اردیبهشت ۹۹ چک‌ها و تعهدات خود را عملی کنند. لذا در صورت برگزار نشدن نمایشگاه بعد از ماه مبارک رمضان (دهه آخر خرداد) قطعاً اکثریت شرکت کنندگان با مشکل مواجه خواهند شد که معلوم نیست چه بر سر آنها خواهد آمد. وی ادامه داد: به نظر من طرح مساله تغییر زمان نمایشگاه کتب تهران در سال آتی و برگزاری آن در ماه آبان به جای اردیبهشت ماه فقط و فقط باید برای نمایشگاه ۲۴ (نمایشگاه کتاب سال ۱۴۰۰) مورد بحث و بررسی قرار گیرد و نه نمایشگاه ۳۳ که همه بر اساس تاریخ اعلامی قبلی برای خود تعهد ایجاد و اماده شراکت آن را بودند. رضایی افزود: در خواست بخش زیادی از بدنه صنف نشر برگزاری نمایشگاه کتاب ۳۳ حداکثر بعد از ماه مبارک رمضان است البته در صورت ایجاد شرایط لازم

در کشور و ان‌الله خالصی مردم از این بیماری و برنامه ریزی برای نمایشگاه ۳۴ و طرح اینکه که چه زمانی برگزار شود باید بعد از آن مورد توجه قرار بگیرد.